ویژه

حقوق زنان برابری یا نابرابری (شبهات مسائل زنان)

«برخی از شبهات پیرامون اسلام نسبت به زن، مستندات دینی دارد، ولی از مسلمات دینی نیست چراکه سند آن، گاه روایاتی مرسله، مرفوعه یا ضعیف است که نه قرآن آن را تأیید می کند و نه روایات متواتر و نه دلیل عقلی و گاه مستند آن فتوای فقهی است که در آن زمینه، مراجع عظام فتواهای متفاوتی دارند.»

زهرا آیت‌اللهی در مقدمه کتاب «حقوق زنان برابری یا نابرابری» می‌نویسد: «بسیاری از تهمت‌هایی که امروزه به اسلام وارد می‌شود بر اساس روایاتی است که سند معتبر ندارد و با سایر روایات و سیره معصومین علیهم‌السلام یا اصول کلی حاکم بر ادله دینی (مانند قاعده لاضرر یا نفی عسر و حرج) تعارض دارد، بنابراین به هیچ وجه نمی‌توان عنوان کرد که نظر اسلام در آن مسئله، مطابق آن نقل قول است و مردم ملل مختلف را به این وسیله مخالف اسلام ساخت. در واقع برداشت از احادیث و تعیین معتبر بودن یا نبودن آنها را باید به اهل فن سپرد و به یاد داشت که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: وَ لاَ تَقْفُ مَا لَیسَ لَکَ بِهِ عِلمٌ؛ بر آنچه به آن علم نداری، ایستادگی نکن». این کتاب تلاشی است برای تمایز قائل شدن میان آنچه اسلام حقیقتاً گفته و مطالبه می کند، با تصورات و دیدگاه‌های رایج غلط میان مردم.

شیوه کتاب بر بیان جایگاه زن در اسلام و بیان ارزشمندی‌های اوست و بر این نکته تأکید دارد که «در مواجهه با شبهات مربوط به زنان، باید از همان ابتدا مخاطب را متوجه حمایت‌های ویژه اسلام از زنان کرد. این امر هم در حیطه بیان جایگاه ارزشمند زن از منظر اسلام و هم در ارتباط با احکام اسلامی مربوط به زنان قابل ارائه است... بنابراین ما با مجموعه‌ای از آیات و روایات که مستقیم یا غیرمستقیم به مسئله‌ای از مسائل زنان مربوط است و تعمیق در معانی آن توسط اندیشمند اسلامی می تواند دیدگاه کلی اسلام را در مورد موضوعی روشن کند، مواجهیم. علاوه بر آن هر مسئله را باید در کنار سایر مسائل به صورت یک سیستم مشاهده کرد. مثلاً آزادی فردی زن یا مرد را باید در کنار مصلحت خانوادگی او در نظر گرفت که در نتیجه گاه آزادی زن در رفت‌وآمد محدود می‌شود، ممنوعیت سقط جنین را باید با اصل حق حیات زن در نظر گرفت که در نتیجه گاه سقط جنین جایز شمرده می‌شود یا قداست خانواده را باید با اصل حق سلامت زن در نظر گرفت که گاه طلاق توصیه می‌شود.»

فصل‌های مختلف کتاب که برگرفته از شبهات و سؤالات مهم حوزه زنان است، عبارتند از: تساوی زن و مرد، مردانه بودن زبان قرآن، نقصان ایمان زنان، لزوم رضایت پدر در ازدواج دختر، ریاست مرد در خانواده، تمکین زن، نشوز زن، اجازه همسر برای خروج از خانه، اجرت رضاع، اختیار مردان در طلاق، محرومیت زنان از حضانت فرزند پس از طلاق، چند همسری مردان، تفاوت ارث زنان با مردان، شهادت در دادگاه، امامت جماعت زنان، لزوم رعایت عده پس از طلاق یا فوت شوهر، تصدی قضاوت توسط زنان، تفاوت دیه زنان با مردان و تفاوت مجازات قاتل در صورت تفاوت در جنسیت. این کتب از سوی نشر معارف و در سال ۱۳۹۵ منتشر شده است.

گزیده

زنان میانسال کمتر استرس دارند

نتایج یک مطالعه نشان می‌دهد افزایش سن به زنان کمک می کند تا کمتر احساس استرس داشته باشند.

کارشناسان امریکایی می گویند: زمانی که زنان وارد دوران میانسالی می‌شوند کمتر استرس دارند و در این دوران از کیفیت بالای زندگی برخوردارند. مطالعه انجام شده در دانشگاه میشیگان نشان داد: استرس ادراک شده – مقیاس اعتماد به نفس، کنترل و توانایی برای مواجهه با عوامل استرس‌زای زندگی – برای بسیاری از زنان در یک دوره ۱۵ ساله کاهش می یابد. این نتایج بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از ۳هزار زن ۴۲ تا ۵۳ ساله به دست آمده است. در این بررسی همچنین آمده است که وضعیت یائسگی عامل تأثیرگذار در این زمینه نیست و این ادعا در واقع ایده ارتباط یائسگی با استرس بیشتر است و افسردگی را به چالش می کشد. زنانی که سطح تحصیلات پایین‌تر و وضعیت مالی سخت‌تری دارند در مقایسه با دیگر همسالان خود احساس استرس بیشتری دارند اما این تفاوت با گذشت زمان کاهش پیدا می کند.

به گزارش خبرگزاری شینهوا، یکی از کارشناسان این مطالعه گفت: نتایج به دست آمده نشان می‌دهد حتی زنانی که سطح تحصیلات پایین‌تر یا مشکلات مالی دارند در دوره میانسالی کمتر دچار استرس ادراک شده می‌شوند.

توصیه‌های تغذیه‌ای به مادران باردار

مادران باردار در نقاط محروم که دریافت مناسب پروتئین و کربوهیدرات ندارند، باید به شدت لبنیات مصرف کنند.

دکتر شیرین نیرومنش در خصوص جدی گرفتن سلامت مادران باردار گفت: لازمه اینکه دوران بارداری به سلامت طی شود و نوزادی با وزن مناسب متولد شود، بستگی به عوامل مختلفی از جمله تغذیه دارد.

این متخصص زنان و زایمان افزود: در دوران بارداری دریافت مواد غذایی و مکمل‌ها باید به گونه‌ای باشد که مادر نه دچار سوءتغذیه و نه دچار اضافه وزن شود که اضافه وزن در مادران باردار امروزه به یکی از معضلات حوزه باروری تبدیل شده است. نیرومنش گفت: باید به میزان مصرف سبزی، میوه، پروتئین و افزایش تحرک در مادران باردار به شدت توجه شود و حداقل سه وعده میوه در روز مصرف کنند و همچنین مصرف ماهی باید جایگاه خودش را در رژیم غذایی داشته باشد زیرا توصیه می‌شود در هفته دو بار مصرف شود، اما متأسفانه سرانه مصرف ماهی در کشور ما بسیار پایین است.

این متخصص زنان و زایمان افزود: در مناطق محروم و دهک‌های پایین که مادران باردار جزو گروه‌های پرخطر محسوب می‌شوند و ممکن است به طور مناسب دریافت پروتئین، گوشت سفید، گوشت قرمز، سبزی، میوه و ویتامین نداشته باشند، باید لبنیات بیشتری مصرف کنند تا به رشد سلول‌های مغزی جنین آسیب نرسد، همچنین برای پیشگیری از سوءتغذیه مادران باردار باید در مدارس شیر توزیع شود.

«گل» پرمصرف‌ترین مخدر زنان بعد از تریاک

رئیس مرکز توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی کشور ضمن اشاره به اینکه «گل» پرمصرف‌ترین ماده مخدر در بین زنان است، از فعالیت ۴۰ مرکز نگهداری و درمان زنان در سراسر کشور خبر داد.

فاطمه عباسی با بیان اینکه بین ۷ تا ۱۰ درصد معتادان جامعه زنان هستند، افزود: از بین ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار معتاد حاضر در کشور بین ۷ تا ۱۰ درصد آنان زنان هستند. وی با تأکید بر اینکه گل پرمصرف‌ترین ماده مصرفی زنان است، ادامه داد: از بین معتادان زن کشور ۱۵ درصد آنان مصرف‌کننده گل هستند و پرمصرف بودن این ماده تغییری در آمار کل زنان معتاد ایجاد نکرده است. همچنین تریاک اولین ماده مصرفی هم بین زنان و هم بین مردان است. عباسی در ادامه با اشاره به مراکز نگهداری و درمان زنان برای درمان اعتیاد تصریح کرد: ۴۹ مرکز درمان و نگهداری اعتیاد ویژه زنان در سراسر کشور وجود دارد. این زنان بر اساس شرایط و درمان مورد نیاز بین ۲۸ روز تا سه ماه در این مراکز نگهداری می‌شوند.

گزارش

کبری فرشچی

بحران مادری از غرب تا ایران

آیا بحران اجتماعی در ایران نتیجه تکرار سیاست‌های شکست‌خورده غرب در حوزه زنان و خانواده است؟

هنوز هم خانواده در ساختار جامعه ایرانی قداست دارد؛ جامعه‌ای که امروز درگیر افزایش آمار و ارقام طلاق و کاهش آمار ازدواج است و آمار زنان سرپرست خانوارش روز به روز افزوده می‌شود اما همچنان نام مادر که می‌آید تمام‌قد می‌ایستند و به پاس حرمتش همه ساختارهای اجتماعی خبردار می‌ایستند. مادری که حقوقش حتی با پدر برابر نیست و در فرهنگ ایرانی-اسلامی بهشت خدا در زیر پایش قرار داده شده است و حق دارد بابت مادری کردن و خانه‌داری‌اش از مرد خانه‌اش طلب دستمزد کند و مولای متقیان علی (ع) زن را ریحانه می‌داند. برابری جنسیتی اما حتی اگر نامش را عدالت جنسیتی بگذارند برای زن و مادر ایرانی دستاورد مثبتی نداشته است همانگونه که برای مادر و زن غربی دستاوردی نداشته و دنیای غرب را با بحرانی جدی روبه‌رو کرده است؛ بحران مادری.

اوضاع آسیب‌های اجتماعی در جامعه ما چندان روبه‌راه نیست. پای آمار و ارقامی که مسئولان ارائه می کنند اگر بنشینید دلتان را می‌برد به دنیایی که جوانان ازدواج نکرده طلاق می گیرند و زنان جوانی که پیش از مادر شدن بیوه می‌شوند. وقتی پای صحبت‌های مسئولان حوزه زنان و خانواده می‌نشینی انگار حکایت ۲/۵ میلیون زن سرپرست خانواری که ۸۰ درصدشان شغل و مهارت ندارند و باید دغدغه نان خود و فرزندانشان را به دوش بکشند، افسانه‌ای بیش نیست و موضوعات داغ حوزه زنان و خانواده چیز دیگری است. از حقوق برابر زنان و مردان می گویند و از دخترانی که پشت در ورزشگاه‌ها مانده‌اند و قصه دخترکانی که به خانه بخت می‌روند. آنچنان پر قصه روایت می‌شود که گمان می کنید خوشبختی برای ازدواج‌هایی در سنین پایین وجود ندارد. پای حرف‌های مادر و مادربزرگ که می‌نشینید اما از خوشبختی‌هایشان می گویند. چشمانشان می‌خندد وقتی از بزرگ شدنشان در ۱۶-۱۵ سالگی در پای سفره عقد تعریف می کنند.

خلاصه اینکه تصور متفاوت و گاه متضاد مسئولان حوزه زنان و خانواده از چالش‌ها و دغدغه‌های زنان با آنچه در جامعه جاری است موجب شده تا کشورمان در حوزه آسیب‌های اجتماعی در همان مسیری قرار بگیرد که دنیای غرب قرار گرفته است. در این مسیر شاید به دلیل رشد آمار مرتبط با آسیب‌های اجتماعی و به تعبیر خود مسئولان حوزه‌های این آسیب‌ها، زنانه شدن آسیب‌های اجتماعی را نتوان از شعارهایی همچون عدالت جنسیتی به معنای غربی‌اش جدا دانست؛ آسیب‌هایی که با پررنگ‌تر شدن این نگاه جدی‌تر از قبل مطرح می‌شوند و آمارشان رو به تزاید است.

■ بلای برابری جنسیتی برای زنان

شعار برابری جنسیتی در غرب به موازات انقلاب صنعتی و جنگ جهانی دوم شکل گرفت. ویل دورانت می‌نویسد: «آزادی زنان از عوارض انقلاب صنعتی است... یک قرن پیش در انگلستان کار پیدا کردن برای مردان دشوار گشت اما اعلانیه‌ها از آنان می‌خواست که زنان و کودکان خود را به کارخانه بفرستند.» این رویکرد توانست دنیای صنعتی غرب را در تولید و عرضه هر چه بیشتر کالاهای مصرفی موفق کند اما تداوم آن بهره‌جویی‌های پیش‌بینی‌نشده دیگری را پدید آورد.

تزلزل نظام خانواده، افزایش آمار طلاق، جرائم و فساد فرزندانی که از سایه پدر و مادر محروم شده بودند؛ فجایعی که هم‌اکنون غرب در میان آن دست و پا می‌زند و اندیشمندان و حتی دول غربی به این نتیجه رسیده‌اند که برای حفظ ساختار سیاسی و اقتصادی خود ناگزیرند به گونه‌ای تکه‌های درهم شکسته ساختار خانواده را پیوند بزنند. پیش از آن زن در دنیای غرب حتی حق مالکیت و حق رأی هم نداشت اما حالا نیاز به نیروی کار ارزان قیمت ایجاب می کرد تا زنان را از خانه بیرون بکشند. برای این منظور اما باید سناریویی طراحی می‌شد تا با تظاهر به احیای حقوق زنان آنان را از خانه بیرون بکشند. این سناریو با جنبش فمنیسم به ثمر رسید.

بر اساس باورهای فمنیستی از نقش طبیعی زن، مشمول بازتولید مادر شدن و ازدواج است و همه این فعالیت‌ها با زندگی در محیط مخصوصی در خانه به انجام می‌رسد. بنابراین پرداختن به این فعالیت‌ها سبب می‌شود تا زن از محیط کار عمومی تصمیم‌گیری، وضع قانون، تولید فرهنگ و دانش، تولید سیاست و... کاملاً باز بماند یا تأثیر بسیار حاشیه‌ای داشته باشد. مدرنیته نقش بسزایی در شکل‌گیری موج سوم فمنیسم داشت؛ فمنیست‌های مارکسیست بعد از جذب زنان به بازار کار در سال ۱۹۸۹ مراکز درمانی عامل سقط جنین را در کار خود آزاد گذاشتند و همچنین حق کنترل بارداری و پایان دادن به آن به رسمیت شناخته شد. از خواسته‌های موج سوم فمنیسم برابری زنان در عرصه‌های اجتماعی، پایان دادن به بارداری و آزاد بودن سقط جنین بود. گاهی به بهانه بد شکل کردن موقتی بدن، به هر شکل فمنیسم با این نگاه به جنگ تقدس و جایگاه مادری رفت.

■ ۱۵ میلیون زن سرپرست خانوار در امریکا

بر اساس داده‌های مرکز ملی آمار در امریکا، بیش از ۱۵ میلیون زن در ایالات متحده امریکا سرپرست خانوار هستند و حدود ۳۶/۸ درصد از این مادران در روابط نامشروع بچه‌دار شده‌اند.

گزارش‌های منتشر شده توسط اداره سرشماری حاکی از آن است که این زنان یا از همسرانشان جدا شده‌اند یا به هر دلیل دیگری با آنها زندگی نمی کنند.

مطالعات صورت گرفته در امریکا نشان می‌دهد ۱۵ میلیون زن سرپرست ۲۲ میلیون کودک هستند. سخنگوی مرکز ملی آمار با بیان اینکه جامعه امریکا با افزایش هر روزه تعداد کودکانی که تحت سرپرستی مادر خود هستند روبه رو است، اظهار داشت: اکنون حدود ۳۰ درصد از کودکان و نوجوانان زیر ۲۱ سال تنها با مادر خود زندگی می کنند. بر اساس اداره سرشماری ایالات متحده، ۴۴/۲ درصد زنان سرپرست خانوار از همسرشان جدا و حدود ۳۶/۸ درصد در روابط نامشروع بچه‌دار شده‌اند.

همچنین بیش از ۱۸ درصد این زنان پس از طلاق و ازدواج مجدد بچه‌دار شده‌اند که باز به علت جدایی سرپرست خانواده شده‌اند.

داده‌های موجود بیانگر آن است که بیش از ۳۰ درصد زنان سرپرست خانواده در امریکا در فقر مطلق زندگی می کنند.

بیش از ۴۰ درصد مادران سرپرست خانواده در ایالت‌های می‌سی سی پی، لوئیزیانا، کلمبیا و تگزاس زندگی می کنند.

ویل دورانت می‌نویسد: «آزادی زنان از عوارض انقلاب صنعتی است... یک قرن پیش در انگلستان کار پیدا کردن برای مردان دشوار گشت اما اعلانیه‌ها از آنان می‌خواست زنان و کودکان خود را به کارخانه بفرستند.» این رویکرد توانست دنیای صنعتی غرب را در تولید و عرضه هر چه بیشتر کالاهای مصرفی موفق کند اما تداوم آن بهره‌جویی‌های پیش‌بینی‌نشده دیگری را پدید آورد

اوضاع در دیگر کشورهای غربی هم بهتر از این نیست. در ایرلند و طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱ میلادی نرخ خانواده‌های تک والدینی از ۵/۷ درصد به ۷/۹ درصد کل خانواده‌ها رسیده است. طلاق مهم‌ترین دلیل رشد تعداد این خانواده‌ها معرفی می‌شود. در فرانسه از اواخر دهه ۷۰ میلادی تا سال ۲۰۰۰ خانواده تک والدینی با رشدی بیشتر از ۵۰ درصد روبه رو شده است. در یونان از سال ۱۹۸۰ تعداد مادران ازدواج نکرده ۲۹/۸ درصد افزایش یافته است، همچنین در انگلیس نیز نسبت خانواده‌های تک والدینی به حدود ۲۵ درصد کل خانواده‌ها افزایش یافته است که رشد زیادی را در تعداد مادرانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند و نرخ طلاق در ۳۰ سال گذشته نشان می‌دهد. در آلمان و در طول دو دهه اخیر تعداد این خانوارها دو برابر شده است که تقریباً همه این خانواده‌ها با سرپرستی مادران اداره می‌شود.

■ خشونت در غرب

آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس انگلیسی، معتقد است: در سده‌های میانه و اوایل صنعتی شدن، یک جنبه متداول هر ازدواج بوده است. «از هر چهار زن و شوهر امریکایی، تقریباً یکی عقیده دارد که شوهر می‌تواند دلیل موجهی برای زدن زن داشته باشد.»

به گفته سازمان عفو بین‌الملل، خشونت در خانواده بیش از ابتلا به سرطان و تصادفات جاده‌ای عامل مرگ یا معلولیت جسمانی زنان اروپایی در سنین ۱۶ تا ۴۴ سال است. بر اساس آمار جهانی، ۹۰ درصد از قربانیان خشونت خانگی زنان هستند. در هر ۱۸ ثانیه در سطح جهان یک زن می‌میرد. بر اساس آمار بهداشت جهانی، در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد حمله یا بدرفتاری قرار می‌گیرد.

سازمان ملل در گزارش نوامبر ۲۰۱۱ خود به مناسبت سالروز منع خشونت علیه زنان که به شماره ۲۵۴۶A/DPI منتشر شده است، از آماری تکان‌دهنده در خصوص تجاوزهای جنسی و خشونت‌های شدید علیه زنان در کشورهای غربی پرده برداشت. بیش از ۳میلیون زن کارگر در زمین‌های کشاورزی امریکا، مشغول کار هستند که حدود ۶۳ هزار تن از آنان مهاجر و غیرقانونی‌اند.

در گزارش دیده‌بان بین‌المللی حقوق بشر آمده است، بررسی از زنان کارگر نشان می‌دهد که تمامی آنان حداقل یک‌بار تجاوز جنسی و شکنجه‌های شدید را از سوی کارفرمایان خود تجربه کرده‌اند.

آزارهای جنسی در محیط کار، به اذیت و آزارهای جزئی محدود نیست و در برخی موارد، به ضرب و شتم و قتل نیز منجر می‌شود. محیط کار در امریکا برای زنان به گونه‌ای است که علت اصلی مرگ زنان کارگر، قتل است که همتاهای آنها مرتکب می‌شوند.

■ مکتب جدید طرفداری از خانواده در غرب

حال به اوضاع و احوال جامعه خودمان بازگردیم. رشد آمار طلاق و کاهش ازدواج و رشد پنج برابری آمار اعتیاد در زنان طی یک دهه و زنانه شدن روند آسیب‌های اجتماعی اتفاقاتی است که با پررنگ‌تر شدن نگاه‌های فمنیستی و تلاش برای برقراری عدالت جنسیتی با شاخص‌های غربی در کشورمان همزمان شده است. بی‌تردید این همزمانی نمی‌تواند بی‌دلیل باشد.

جالب این است که پژوهش‌های چندانی در این باره صورت نگرفته است اما بی‌هیچ تردیدی اوضاع و احوال آسیب‌های اجتماعی در جامعه امروز نسبت به گذشته به شکلی جدی بحرانی‌تر شده است. شاید راهکار ما هم همان چیزی باشد که در جوامع غربی امروز مورد توجه قرار گرفته است.

به نوشته روزنامه انگلیسی‌زبان «ملت و جهان» در ایالات متحده امریکا، بسیاری از زنان، مشاغل خود را رها کرده و به مادران تمام‌وقت تبدیل شده‌اند. دیوید بالنکن هوان، رئیس مؤسسه ارزش‌های امریکا، این رویکرد جدید را «مکتب جدید طرفداری از خانواده» نامیده است.

هنری ود روژت لانگ فلو، شاعر بزرگ امریکایی هم چنین سروده است: در خانه بمان قلب من و استراحت کن، قلب‌های حافظ خانواده، خوشبخت‌ترینند.

نمای نزدیک

۸۵ درصد طلاق‌ها قبل از ۴۰ سالگی است

مدیر کل آمارهای جمعیتی سازمان ثبت احوال ۸۵ درصد طلاق‌ها را مربوط به افراد زیر ۴۰ سال اعلام کرد و گفت: در سال‌های ۹۱ تا ۹۶ هفت درصد ازدواج‌ها به طلاق منجر شد.

محمدباقر عباسی درباره یکصدمین نشست شورای اجتماعی کشور اینگونه گزارش می‌دهد: بر اساس آمارها رشد طلاق در کشور از لحاظ سطحی در سال گذشته نسبت به سال ۹۵ رشد چندانی نداشته است. ۱۸۶ هزار طلاق در سال گذشته ثبت شده و ۱۸۵ هزار و ۵۰۰ طلاق نیز در سال ۹۵ به ثبت رسیده که البته همه طلاق های ثبت شده متعلق به آن سال نیست و اخیراً ما آمار بازسازی شده از طلاق‌های رخ داده از سال ۹۲ تا ۹۶ را تهیه کردیم که در جلسه امروز ارائه شد.

مدیر کل آمارهای جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور خاطرنشان می کند: بر اساس آمارهای بازسازی شده در سال‌های اخیر، رشد طلاق بیش از ۲ درصد در سال نداشته‌ایم، البته جمعیت در شرف ازدواج در سال‌ها و دهه‌های اخیر کاهش یافت و کسانی که می‌توانستند ازدواج کنند، سن ازدواج را پشت سر می گذارند یعنی از یک میلیون و ۳۰۰ هزار در سال ۹۰ به یک میلیون ۱۵۰ هزار در سال ۹۵ کاهش پیدا کرده است. عباسی می‌افزاید: به طور طبیعی سال به سال کاهش سن ازدواج را داریم به همین دلیل از نظر علمی و فنی منطقی نیست که ازدواج‌ها یا طلاق‌هایی را که در یک سال رخ می‌دهد، به هم تقسیم کنیم و به اعدادی برسیم که بگوییم به طور مثال از هر پنج ازدواج یک طلاق یا از هر سه ازدواج یک طلاق رخ دهد که رابطه‌ای منطقی وجود ندارد. وی تصریح می کند: بر اساس بررسی‌های انجام شده روی مطالعات طولی، طلاق و ازدواج‌هایی که در سال ۹۱ به ثبت رسیده تا سال ۹۶ را بررسی کردیم، فقط ۷ درصد ازدواج‌ها به طلاق منجر شدند درحالی که اگر ازدواج‌ها را به طلاق‌های سال ۹۱ تقسیم کنیم، شاید عدد ۱۸ درصد را نشان می‌دهد.

عباسی درباره تصمیمات یکصدمین جلسه شورای اجتماعی کشور می گوید: در این جلسه مقرر شد همانگونه که همیشه فنی و با شفافیت آمارها را ارائه می کردیم، از این پس با جزئیات بیشتر با رسانه‌ها سخن بگوییم تا سیمای دقیق و درستی از وضعیت ازدواج و طلاق در جامعه ترسیم کنیم، به خصوص اینکه بر اساس آخرین بررسی‌ها ۸۵ درصد طلاق‌هایی که رخ می‌دهد مربوط به افراد زیر ۴۰ سال است، یعنی موضوعی است که جامعه جوان را درگیر خود کرده است.

یادداشت

زهرا چیذری

دختران پسرنما قربانی بازی‌های سیاسی

برجسته‌سازی یکی از پرکاربردترین تکنیک‌های رسانه‌ای نزد سیاستمداران است. بر اساس این تکنیک رسانه‌ای برخی موضوعات به طور خاصی در رأس اخبار رسانه‌ها قرار می گیرند و به تناوب تکرار می‌شوند. آنچه این موضوعات را در رأس اخبار برخی رسانه‌ها قرار می‌دهد اهمیت و خاص بودن موضوع آنها نیست بلکه هدفی است که برخی جریان‌ها از برجسته‌سازی این اخبار و موضوعات دنبال می کنند و می کوشند با برجسته‌سازی موضوع مورد نظر خود توجه آحاد جامعه و گروه‌های هدفشان را به چنین موضوعاتی معطوف دارند. گاهی هدف از برجسته‌سازی پیشبرد همان موضوع برجسته شده است و گاهی برجسته‌سازی با هدف کمرنگ کردن و انحراف اذهان عمومی از موضوعات و مسائل اساسی که توجه به آنها می‌تواند منافع جریان برجسته‌ساز را به خطر بیندازد، انجام می‌شود. تکنیک برجسته‌سازی با انحراف اذهان عمومی از موضوعات اصلی جامعه به خوبی می‌تواند نقطه ضعف‌های مسئولان و کم‌کاری‌های صورت گرفته را پوشش دهد.

با تمام اینها اما برجسته‌سازی آثار و تبعات ناگواری را بر عموم جامعه و مردم عادی بر جای می گذارد، درست همان افراد و گروه‌هایی که در کوران اخبار برجسته‌سازی شده موضوعات اصلی را گم کرده و موضوعات فرعی و دست چندم برجسته‌سازی شده را موضوع اصلی جامعه می‌پندارند، تکرار و اظهارنظرهای مسئولان و چهره‌های مشهور فرآیند برجسته‌سازی را تشدید و موفق‌تر می کند.

ماجرای انتشار تصاویر چند دختر جوان که با گریم پسرانه برای تماشای بازی فوتبال دربی به استادیوم آزادی رفته بودند، نمونه‌ای از اثرگذاری تکنیک‌های برجسته‌سازی رسانه‌ای است؛ دخترانی که از دو جهت در جریان برجسته‌سازی مطالبه حضور زنان در ورزشگاه برای تماشای ورزش‌های مردانه‌ای همچون فوتبال قربانی شده‌اند. از یک سو این دختران نوجوان در اوج دوران استقلال‌طلبی و نیاز به جلب توجه و تجربه هیجاناتی که اقتضای سنین نوجوانی است با موضوعی مواجه شده‌اند که به کرات از سوی برخی مسئولان و چهره‌های شناخته شده به عنوان چالش اصلی حوزه زنان و خانواده مطرح می‌شود و به گونه‌ای وانمود می‌شود که زنان و دختران جوان مطالبه دیگری به جز حضور در ورزشگاه و تماشای مسابقات فوتبال ندارند. وقتی این موضوع به طور ویژه‌ای در برخی رسانه‌ها پیگیری می‌شود و صفحات متعدد روزنامه‌ها و سایت‌هایی خاص را به خود اختصاص می‌دهد بدیهی است که تعدادی از دختران نوجوان و جوان به اقتضای سن و سال تهییج شده و می‌خواهند بدانند در ورزشگاه‌ها چه خبر است اما آمار اورژانس تهران از مصدومان بازی‌های دربی تهران بیانگر خطراتی است که حضور در چنین فضایی می‌تواند برای این دختران در پی داشته باشد به خصوص اگر مشخص شود آنها پسر نیستند. این ماجرا اما وجه دیگری هم دارد؛ واقعیت‌هایی از جنس آمار دختران تحصیلکرده بیکار، کاهش آمار ازدواج و افزایش آمار طلاق، زنانه شدن آسیب‌هایی اجتماعی و بسیاری از واقعیت‌های دیگر که این دختران جوان به عنوان بخشی از بدنه جامعه با آنها درگیرند اما همه این چالش‌ها در میان هیاهوهایی از جنس حضور زنان در ورزشگاه و تشویق تیم‌های فوتبال گم می‌شود. حالا بازگردیم به آمار مصدومان دربی پایتخت که از سوی اورژانس تهران ارائه شده است و یک سؤال جدی؛ اگر یکی از مصدومان چنین حادثه‌ای یکی از همین دختران پسرنما باشد، مسئولانی که این دختران را برای پیشبرد مقاصد خود و کمرنگ کردن کم‌کاری‌های صورت گرفته با برجسته‌سازی مطالبه‌ای تحت عنوان حضور زنان در ورزشگاه‌ها تهییج کرده‌اند چه پاسخی به وجدان خود خواهند داد؟

نگاه

مادرانه، به تر و خشک کردن فرزند تنزل یافته است

تفکیک فضای مردانه و زنانه در جامعه وجود دارد؛ مردان نقش‌های خود را دارند، زنان هم در کنار نقش‌های اجتماعی، وظایف مادری را انجام می‌دهند و نگاه پرورش و عطوفت مادرانه به تر و خشک کردن فرزند تنزل پیدا کرده است.

اردشیر انتظاری با بیان این مطلب می‌افزاید: زنان می‌خواهند مادر شوند اما منزلت مادری با ارزش‌ها سر و کار دارد و چیزی که ارزشمند باشد برای آن وقت بیشتر و سرمایه‌گذاری می‌شود، همچنین در مورد آن فکر و برنامه‌ریزی صورت می گیرد اما زنان جامعه ما چقدر به مادر شدن فکر می کنند.

وی تأکید می کند: افکار و دورنمای هر جامعه‌ای در سیاستگذاری‌های کلان و برنامه‌ها نمود پیدا می کند. سؤال این است، در مورد مادر شدن و نقش‌های مادرانه در برنامه‌های پنج ساله توسعه چقدر لفظ مادر تکرار شده است؟ چقدر از مادران حمایت می‌شود؟

انتظاری معتقد است در نظام اقتصادی-اجتماعی و برنامه‌ای ما، احترام به منزلت و شأن مادری آنطور که شایسته است، مورد توجه نیست. این در حالی است که پرورش نقش مادری و به تصویر کشیدن شیرینی‌های آن برای جامعه رسالتی است که بر عهده رسانه‌ها و نهادهای آموزشی است و البته محقق نشده است.

وی تصریح می کند: تأخیر در ازدواج و فرار از مادر شدن و فرزندآوری واقعیت‌های اجتماعی است اما فرزندآوری و مادر شدن، پاداش زنانگی است که این نوع نگرش کمتر دیده می‌شود و بچه‌دار شدن به عنوان مانعی برای پیشرفت‌های فردی زنان به حساب می‌آید.

از نگاه وی جامعه ما همگام با فرایند جهانی‌سازی، التذاذ جسمی و بهره‌مندی مادی را مهم‌تر از لذت‌های معنوی و بهره‌مندی ارزشی تلقی می کند و فردگرایی و منافع فردی را ترجیح می‌دهد.

این جامعه‌شناس معتقد است: منزلت مادری در جامعه باید مهم شمرده شود زیرا دستاوردهای اهمیت به مادران بسیار تأثیرگذار است و جایی که بانوان برای نقش زنانه و مادرانه خود ارزش قائل هستند، خانواده، جامعه و نسل آتی موفق‌تر است.

انتظاری می‌افزاید: شاخص ارتقای منزلت مادری این است که مردان دنبال فرصتی برای مشارکت و همکاری با زنان باشند تا از عهده وظایف مادرانه خود بهتر برآیند اما اکنون مردان جامعه از مشارکت در امور خانواده استقبال نمی کنند.

وی تصریح می کند: منزلت مادری کم اهمیت است و با وجود اینکه در آموزه‌های دینی و سبک زندگی اسلامی-ایرانی حفظ شأن مادران همواره مورد تأکید بوده اما عناصر اجتماعی حاکی از این است که زنان و مردان از مسئولیت‌های خانوادگی و مادرانه فرار می کنند.

از نگاه مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه وقتی زنان می‌خواهند مثل مردان شوند و موقعیت برابری داشته باشند، آنگاه نه شبیه مردان که حتی شبیه زنان رفتار نمی کنند و زنانگی خود را از بین می‌برند.